

نقش رسانه‌ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر

فائزه توکلی*

چکیده

با گسترش رسانه‌های جمعی در سطح داخلی و خارجی و تأثیر آنها بر نهادهای فرهنگی جامعه، عناصر مشترک فرهنگ‌های مختلف در اثر تماس، آمیزش و ارتباط فرهنگ‌ها با یکدیگر در حال امتزاج‌اند.

تحول مهم حوزه فرهنگ، درک متقابل فرهنگ‌ها از یکدیگر، بدون گرایش به حذف است. در این راستا، طرح دموکراسی فرهنگی با تأکید بر این اصل استوار است که وابستگی هر فرد به یک فرهنگ، یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی است و هر فرد، گروه و جماعت از حق انتساب خود به فرهنگ یا فرهنگ‌های خاصی برخوردار است.

در این مقاله با طرح این پرسش که مؤلفه‌های دموکراسی فرهنگی چیست به تبیین رابطه متقابل بین رسانه و فرهنگ پرداخته می‌شود. احترام به حفظ ارزش‌های دیگران و حرکت به سوی جامعه جهانی توأم با وفاق و همدلی، منوط به رفع موانع ارتباطات میان فرهنگی است و نه آنکه فرهنگ‌ها حذف شوند. رسانه‌ها ابزار و نهادهای مؤثر در فرهنگ هر جامعه به حساب می‌آیند و حوزه عمل و فعالیت آنها فرهنگ است. نتیجه این ارتباط و پیوند برقراری رابطه‌ای متقابل بین رسانه و فرهنگ است. انقلاب اطلاعات و به تبع آن، جهانی شدن رسانه‌ها از قبیل: اینترنت، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ، تلفن همراه، نامبر و جز اینها نقطه عطفی در گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان جوامع مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به افزایش سرعت ارتباطات، دسترسی جهانی به اطلاعات، ایجاد منبع جدید قدرت و نیز گسترش فرهنگ جهانی مشترک اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: رسانه، دموکراسی فرهنگی، جهان معاصر، تنوع فرهنگ‌ها

مقدمه

رسانه‌ها در تبیین ارزش‌ها و فرهنگ جوامع خود در حوزه منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی حضوری توانمند و آنی دارند و از ظرفیت‌های فراوانی برای تعاملات برابر، داوطلبانه و متعادل فرهنگی برخوردارند؛ به گونه‌ای که از تعامل فرهنگی رسانه و محیط موارد زیر ممکن است پدید آید:

- رسانه: فرهنگ جهانی را در سطح جهان می‌گستراند؛
- رسانه: فرهنگ منطقه‌ای را در منطقه می‌گستراند؛
- رسانه: فرهنگ منطقه را در جهان می‌گستراند؛
- رسانه: فرهنگ ملی را در جهان می‌گستراند؛
- رسانه: فرهنگ جهانی مشترک میان انسان‌ها را در سطح جهانی و فرهنگ منطقه‌ای مشترک میان آحاد مختلف یک منطقه را در همان منطقه می‌گستراند و به شناسایی و تعامل فرهنگ‌ها یاری می‌رساند. (نصیری: ۱۳۸۸: ۶۹)

ضمن اذعان به منافع و نیت پنهانی که بنگاه‌های خبرگزاری از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند، پیش از پرداختن به نقش مثبت رسانه در گسترش دموکراسی فرهنگی لازم است به برخی سیاست‌های انحصار طلبانه رسانه‌ای برخی کشورها اشاره کرد. برای نمونه، می‌توان به ارزش‌هایی که سازمان سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی (BBC) به نام «ساخت ارزش‌های عمومی» به طور علنی اعلام نموده و قصد ساختن آنها را در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی دارد، اشاره کرد. بی‌بی‌سی در این بخش، که جزء مأموریت سازمانی این سازمان است، می‌نویسد: «ساخت ارزش‌های عمومی جزو محورهای مرکزی چشم انداز بی‌بی‌سی است». گونه‌های اصلی ارزش‌سازی بی‌بی‌سی در عرصه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی، عبارت‌اند از: ساخت ارزش‌های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و جهانی. هم‌چنین، از این سازمان خواسته شده است که ارزش دیگری با نام «ارزش دیجیتال» را نیز در کنار این محورها در چشم انداز خود قرار دهد. (همان، ص ۷۰ - ۷۱) در میان موارد یاد شده هدف پنهان، که توسعه عقاید خاص سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غربی در سطح جهانی می‌باشد، ناگفته باقی مانده است.

سیاست عمومی امریکا نیز مشتمل بر انتشار ارزش‌ها و عقاید آمریکایی و آمریکائی سازی با نام جهانی سازی است. رشد نفوذ فرهنگی امریکا در سایر کشورها و ارتباط هر چه بیشتر آن با امور سیاسی و تحولات اجتماعی، برای سیاستمدارهای آمریکایی به انطباقی

طبیعی با تحولات رسانه‌های جهانی تبدیل شده است. در نگاه تصمیم‌گیرندگان آلمانی نیز، روابط فرهنگی جزء لاینفکی از سیاست فرهنگی در جهت تکمیل و حمایت عقاید و ایده‌های آلمانی‌ها است.

یونسکو و تنوع فرهنگی

سیاست یونسکو در این خصوص، از دهه ۱۹۸۰ بر این مبناست که پایه‌های توسعه همه‌جانبه و پایدار را باید برای پاسداشت و توسعه تنوع فرهنگی استوار کند و این موضوعی است که در جهت خلاف خواسته قدرت‌های مسلط سیاسی، به ویژه آمریکا و جریان آمریکایی‌سازی، است. در کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی - که در ۱۹۸۲ در مکزیکوسیتی برگزار شد - بحث رابطه فرهنگی تمدن با صلح جهانی مطرح شده است. در ماده ۴ بیانیه نیز چنین آمده است:

«تمامی فرهنگ‌ها بخشی از میراث مشترک بشری‌اند. هویت فرهنگی یک ملت از طریق برخورد تفاهم‌آمیز با سنت‌ها و ارزش‌های دیگران است که تجدید بنا و غنی می‌شود. فرهنگ یک گفت‌وگو است؛ یعنی، تبادل ایده، اندیشه، تجربه و احترام به ارزش‌ها و سنت‌های دیگران. (نشریه «فرهنگ» ۲۰۰۶: ۲)

یونسکو صیانت از تنوع فرهنگی و تشویق گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در برنامه کار خود قرار داد، به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۱ منجر به تصویب اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی شد که سه بخش اول آن به شرح زیر است:

ماده ۱: تنوع فرهنگی میراث مشترک بشریت

فرهنگ در پهنه زمان و مکان شکل‌های متنوعی به خود می‌گیرد. این تنوع در بی‌همتایی و کثرت هویت‌های گروه‌ها و جوامعی که نوع بشر را ایجاد می‌کند، جای دارد. همان قدر که تنوع در زندگی مادی برای طبیعت ضروری است، تنوع فرهنگی نیز سرآغاز تبادل، نوآوری و خلاقیت برای انسان‌ها لازم است. بدین معنا، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشریت است و باید به رسمیت شناخته شود.

ماده ۲: از تنوع فرهنگی تا کثرت‌گرایی فرهنگی

در جوامع بیش از پیش متنوع ما، ایجاد همکاری متقابل در میان مردم و گروه‌هایی با هویت‌های فرهنگی متکثر، متنوع و پویا و نیز ایجاد رغبت در آنها برای زندگی کردن با

یکدیگر امری ضروری است. سیاست‌های مشارکت تمام شهروندان، تضمین‌های انسجام اجتماعی، یعنی بقای جامعه مدنی و صلح به شمار می‌روند. بنا به این تعریف، کثرت‌گرایی فرهنگی به واقعیت تنوع فرهنگی نمود سیاسی می‌بخشد. کثرت‌گرایی فرهنگی، که از یک چارچوب دموکراتیک قابل تفکیک نیست، سرآغاز تبادل فرهنگی و شکوفایی قابلیت‌های خلاق است که زندگی عمومی را حفظ می‌کند.

ماده ۳: تنوع فرهنگی عاملی در توسعه

تنوع فرهنگی دامنه‌ی امکانات عموم مردم را وسیع‌تر می‌کند و یکی از ریشه‌های توسعه است، مفهوم توسعه صرفاً رشد اقتصادی نیست، بلکه روشی برای دستیابی به یک زندگی است که از نظر فکری، احساسی، اخلاقی و معنوی رضایت بخش‌تر باشد.

ماده ۴: حقوق بشر به عنوان ضمانت‌های تنوع فرهنگی

دفاع از تنوع فرهنگی به عنوان یک بایستگی اخلاقی از احترام به منزلت انسان تفکیک‌ناپذیر است. این دفاع مستلزم داشتن تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به ویژه حقوق اقلیت‌ها و حقوق اقوام بومی، است. هیچ‌کس نمی‌تواند برای نقش بشر، که قانون بین‌الملل آنها را ضمانت کرده است، به تنوع فرهنگی استناد کند.

ماده ۵: حقوق فرهنگی فراهم‌کننده محیط برای تنوع فرهنگی

حقوق فرهنگی به مثابه بخشی تفکیک‌ناپذیر از حقوق انسانی امری جهانی و وابسته به یکدیگرند. شکوفایی تنوع خلاق مستلزم اجرای کامل حقوق فرهنگی است که در ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر و در مواد ۱۳ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده‌اند.

ماده ۶: به سوی دستیابی همگانی به تنوع فرهنگی

ضمن کردن جریان آزاد عقاید از طریق نوشته و تصویر، باید مراقب بود که تمام فرهنگ‌ها بتوانند خود را بیان کنند و بشناسانند. آزادی بیان، کثرت‌گرایی رسانه‌ای و چندزبانه بودن، دستیابی یکسان به هنر و دانش علمی و فنی از جمله به شکل رایانه‌ای و امکان دسترسی همه فرهنگ‌ها به وسیله بیان و نشر، ضمانت‌های تنوع فرهنگی می‌باشند.

جامعه اطلاعاتی و تأثیر آن بر رسانه و فرهنگ

در جهان کنونی از نظر حجم اطلاعات در گردش، افزایش شگفت انگیزی رخ داده است به حدی که اندیشمندی نظیر ژان بودریار، فرهنگ معاصر را معطوف به انفجار نشانه‌ها می‌داند. فرانک وبستر در این خصوص می‌نویسد: «در دهه‌های اخیر، انفجاری از تنوع رخ داده و موجب شده تا بسیاری از مردم به طور قابل توجهی به آنها دسترسی پیدا کنند. بر اثر این رویداد، چشم انداز حیرت آوری از نشانه سازی به وجود آمده است.» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۳)

فرهنگ کنونی به طور آشکار نسبت به تمامی دوره‌های پیشین سرشار از اطلاعات است. ما در محیطی لبریز از رسانه‌ها زندگی می‌کنیم، به این معنا که زندگی امروزی اصولاً پیرامون نماد سازی امور، مبادله و دریافت (پیام‌هایی درباره خود و اطرافیانمان) و... دور می‌زند. این امر به خاطر تأیید پدیده انفجار نشانه‌سازی است که بر اساس آن، برداشت بسیاری از نویسندگان این است که ما در حال ورود به جامعه اطلاعاتی هستیم.

مفهوم جامعه اطلاعاتی، امروزه به سرچشمه‌ای از مباحثه‌ها و گفتمان‌های فراوان تبدیل شده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت برخی از این مباحثه‌ها، موضوعاتی از جمله: اهمیت دانش نظری در مقایسه با تجربه‌گرایی، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات، دموکراسی مشارکتی و اقتصاد اطلاعاتی جهانی را به عنوان برخی از پیامدهای جامعه اطلاعاتی طرف توجه قرار داده‌اند و پاره‌ای دیگر، به پیامدهایی چون: نقش نظارتی، دستکاری افکار و نابودی گستره عمومی و نیز شکاف و نابرابری اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی نظر دارند. (رحمان، ۱۳۸۳: سایت ایران و جامعه اطلاعاتی)

جامعه اطلاعاتی فرصت‌ها و پتانسیل‌های متعددی را فراروی ما قرار داده است که در ذیل به مواردی که در حوزه رسانه و فرهنگ و همبستگی جهانی می‌باشد، اشاره می‌شود:

الف) تمرکززدایی رسانه‌های دیجیتالی

ایتترنت یک رسانه پست مدرن، تداعی گر مرگ فاصله‌ها در جغرافیای ذهنی برخاسته از راه‌آهن است. با احداث راه‌آهن، انسان بر فاصله و مسافت غلبه کرد. تکوین زیر ساخت ایتترنت نیز بیانگر همان اتفاق است. انسان امروز بر مکان و زمان غلبه یافته است. می‌توان گفت که تمرکزگرایی شدید در رسانه‌های حاکم سنتی با تمرکززدایی شدیدتری در رسانه‌های دیجیتالی و پست مدرن به چالش کشیده شده است. رسانه‌های کوچک ایتترنتی

در برابر رسانه‌های حاکم صف‌آرایی کرده‌اند و زمینه‌تشتت آرا در سطح نخبگان وابسته به قدرت‌ها شده است. (گلشن، ۱۳۸۳: ۲۶)

ب) تعامل و هم‌زیستی جهانی: شکل‌گیری هویت سیال و بین‌سیاره‌ای (Interplanet)

پیشرفت ارتباطات و تکوین جامعه اطلاعاتی، فاصله‌ها را کاهش داده و به ایجاد نوعی تشابه، به ویژه در جوانان، انجامیده است. اعضای کمیسیون توسعه سازمان ملل متحد گزارش داده‌اند که در گردهمایی‌های خود در شهرهای قاره‌های گوناگون، شاهد بوده‌اند که جوانان خیلی شبیه به هم شده‌اند و این شباهت، با رنگ باختن مرز جوامع و رفتن به سوی نوعی جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای بیشتر شده است. اما، باید توجه داشت که به یمن گسترش وسایل ارتباطی و رسانه‌ها جوامع مختلف اگر آگاهانه و با برنامه‌ریزی عمل کنند، می‌توانند برای تحولات مثبت از آن استفاده نمایند و به نوعی هم‌زیستی سالم جهانی نیز دست یابند.

ج) کثرت‌گرایی فرهنگ

اصطلاح پدیده چندفرهنگی ما را به شناسایی و حتی گرامی داشتن «دیگران» درست به همان گونه‌ای که هستند، دعوت می‌کند. در عصر تجددخواهی (مدرنیته)، کلیدواژه تساهل و تسامح مطرح بود. این کلیدواژه به معنای پذیرش تفاوت میان «ما» و «آنها» بود. اما بازیگران را به «عمل» و «بردباری در برابر تفاوت‌های آنها فرا می‌خواند. عصر جدید با جهان‌گستری خاص خود، فرض را بر اعتبار تمامی دعاوی درباره حقیقت می‌گذارد.

پدیده چندفرهنگی مفهومی تناقض‌نما است، به این بیان که هم تنوع و هم وحدت می‌باشد. تنوع لازمه جهان‌گستری است، زیرا تجلی دلبستگی محلی و هویت‌های خاص را مجاز می‌پندارد و، در عین حال، مستلزم وحدت است، زیرا ترویج‌گر مفهوم دهکده جهانی می‌باشد.

پدیده چندفرهنگی را بسیاری عارضه‌ای می‌دانند که خاص مرز ملی معین است. در واقع این پدیده به سرعت در حال گسترش به قلمرو بین‌المللی است. در عصر چندفرهنگی نخبگان اطلاعاتی، که اغلب از طبقه میانگین و به حاشیه رانده‌شدگان یا فرو طبقه هستند، را جانشین طبقات پیشین اشراف، متوسط و کارگر ساخته است.

کثرت‌گرایی فرهنگی با تمرکز بر محورهای ویژه فرهنگی همچون: مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر در سطح جهانی، حفظ محیط زیست، همبستگی انسان‌ها، احترام به حق حیات، محترم بودن حریم زندگی خصوصی افراد، احیای حقوق مادران و کودکان، تأکید بر عدالت

جهانی، گرامی داشتن کرامت انسان‌ها و توجه به حقوق اقلیت‌های دینی و اجتماعی، توسعه پایدار و فراهم کردن بستری برای مطرح شدن سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، زمینه تعامل فرهنگ‌ها را فراهم خواهد کرد.

مؤلفه‌های دموکراسی فرهنگی

مهاتما گاندی، رهبر آزادی‌بخش هند، می‌گوید «هیچ فرهنگی با انحصارگرایی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد». تنوع جوامع و تنوع فرهنگ‌ها و ارتباط تنگاتنگ آنها در عصر جهانی شدن، ضرورت دموکراسی فرهنگی را طلب می‌نماید. دموکراسی فرهنگی از دو کلمه دموکراسی و فرهنگ تشکیل شده است که به لحاظ لغوی هر کدام بار معنایی ویژه‌ای دارد. دموکراسی (democracy) واژه‌ای یونانی است و از ریشه دموس (demos) به معنای مردم و کراسیا (cratia) یا کراتو (krato) به معنای حکومت اخذ شده است. به طور کلی درباره دموکراسی به دو دیدگاه می‌توان اشاره کرد:

۱. دموکراسی، یک نظام حکومتی است که در اینجا از این وجه به آن پرداخته نمی‌شود.
 ۲. دموکراسی، طرحی برای جامعه است که هدف آن کامیابی فردی تمام شهروندان است. در این دیدگاه دموکراسی به عنوان ارزش مطرح است تا مکانیزم. دموکراسی یک شیوه زیستی است. شیوه دموکراسی، عبارت است از معامله و مصالحه، دموکراسی به عنوان روش، در پی به حداقل رساندن خطاهای مدیریت جامعه و به حداکثر رساندن مشارکت مردم و کاهش دادن نقش افراد به عنوان فرد، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. (پوپر، ۱۳۷۶: ۱۱۵ - ۱۱۹)
- واژه فرهنگ در زبان فارسی از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» را اگر یک کلمه تلقی کنیم به معنی نیروی معنوی، شکوه، عظمت، درخشندگی، جلال و ... است. اما اگر آن را پیشوند به شمار آوریم، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ» از ریشه اوستایی «سنگ» (Thanga) است به معنی کشیدن و نیز سنگینی، وزن، وقار و ... هم آمده است (درست برابر با «هختن» که با پیشوند به صورت فرهنگت، فرهختن، آهخت، آهختن، آخته... به کار رفته است) روی هم رفته معنای واژه فرهنگ، بالا کشیدن و بیرون کشیدن است. به عبارت دیگر «فرهنگ»، یعنی از ژرفای وجود افراد ملتی یا از درون یک جامعه، دانستی‌ها، مکنونات و نیروهای نهفته و تراویده‌های مستقل ذهنی و استعدادهای درونی و ویژه فردی را بیرون کشیدن و آشکار ساختن و در نتیجه افزودن و پر بار کردن پدیده‌ها و خلاقیت‌های شناخته و ناشناخته آدمی است. (محمودی بختیاری، ۱۳۵۸: ۳۳)

دموکراسی فرهنگی کامیابی فردی و جمعی تمام شهروندان و ایجاد فرصت‌های برابر و مشابه برای آنان در حوزه‌های متعدد و متنوع فرهنگی، دینی، قومی، زبانی و ... است. به روایت جان آدامز دموکراسی فرهنگی ایده پیچیده‌ای نیست، هرچند کاربرد آن می‌تواند پیچیده باشد. دموکراسی فرهنگی بخشی از حیات فرهنگی است به این معنا که حق آزادی بیان باید حفظ شود، سانسور و محدودیت آزادی آشکارا با زندگی فرهنگی پویا سازگار نیست." (آدامز، ۱۹۹۸: سایت).

برخی از مؤلفه‌های دموکراسی فرهنگی جوامع عبارت‌اند از: تنوع فرهنگی، تنوع زبانی و تنوع دینی و تنوع قومی.

تنوع فرهنگی

زبان، دین، نژاد، سنت‌ها و باورها مؤلفه‌های تنوع فرهنگی در جوامع می‌باشند. «هر یک از این مؤلفه‌ها در هر زمان و جغرافیای خاص اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند و اینها همان منبع تنوع فرهنگی است. به همان اندازه که تنوع زیستی برای محیط زیست مهم است، تنوع فرهنگی نیز یک ضرورت حتمی است. به تعبیری تنوع فرهنگی میراث مشترک انسانیت برای نسل امروز و فردا است و از آن باید محافظت کرد.» (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

یکی از عوامل درخور توجه مسئله مهاجرت‌هاست که در نیم قرن اخیر در جهان به تنوع فرهنگ‌های داخل جوامع دامن زده است اما «اشتراکات فکری و تجلیات فرهنگی، مهاجران را به یکدیگر پیوند داده زیرا که جوامع فرهنگی به لحاظ جغرافیایی پراکنده هستند.» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

تنوع دینی

یکی از مؤلفه‌های دموکراسی فرهنگی تنوع دینی است و از آنجا که دولت‌های ملی، تشکیلات و واحدهای سیاسی نوظهوری هستند و پس از پیدایش ادیان شکل گرفته‌اند، در هر واحد سیاسی (دولت ملی) ادیان گوناگونی سکونت دارند. رهیافت دولت‌ها در برابر تنوع دینی گوناگون است. «برخی کشورها تنوع دینی را امری طبیعی قلمداد کرده و حقوق شهروندان را از هر دین و مذهبی که باشند محترم می‌شمارند و با پیروان سایر ادیان و مذاهب با گذشت و رواداری برخورد می‌کنند.» (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۷۸)

برای مثال، طبق اصل ۱۳ قانون اساسی ایران: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌باشند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

برخی کشورها، اقلیت‌های دینی را با شرایط خاصی پذیرا هستند یا قوانین تبعیض آمیزی درباره اقلیت‌های مذهبی به کار می‌برند. اینان به صورت قانونی یا عرض عرصه را بر اقلیت‌ها تنگ نموده، حقوق آنها را تضییع می‌کنند، برای نمونه، وضعیت کنونی مسلمانان در انگلستان و فرانسه یا وضعیت شیعیان در عراق در دوران گذشته است. دسته سوم کشورها نیز به تعلقات مذهبی اهمیت نمی‌دهند و نسبت به عقاید دینی ساکنان کشور بی‌تفاوتند از این گونه کشورهای اسکاندیناوی می‌باشند. (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

تنوع زبانی

به کاربردن زبان و لهجه‌های قومی و محلی، یکی از متداول‌ترین خواست‌های اقلیت‌هاست و در اغلب کشورهای دنیا اعم از - پیشرفته و غیر پیشرفته - چنین درخواست‌هایی وجود دارد. (بهاروند، ۱۳۸۴: ۷۹) وحدت زبان در یک کشور، تحت تسلط گرفتن فضای ارتباطی به وسیله یک زبان، به زبان سایر زبان‌هاست که سلطه آن با استفاده از نفوذ و اشباع فرهنگی به وجود خواهد آمد. دولت نیز این زبان را وسیله‌ای برای ارتباط یا عامل وحدت گروه‌های گوناگون می‌داند و نه عامل شناسایی هویت فردی و گروهی.

در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی در کشور بر امکان استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات خرد فرهنگ‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی، تأکید و تصریح شده است.

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد، مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، و استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد است.»

به نظر «نوام چامسکی»، زبان‌شناس و منتقد آمریکایی، با توجه به ساختار جوامع امروزی، که عمدتاً چند زبانی‌اند، زندگی زبان‌ها در کنار یکدیگر را به نوعی در غنای فرهنگی جامعه مؤثر می‌داند و نقش آن را در تولید فرهنگ و ادبیات و پربار شدن محیط هنری، علمی و فرهنگی جامعه بسیار مهم می‌داند. زبان‌ها به طور طبیعی نیازهای خود را از یکدیگر برطرف

می‌کنند و با وام‌گیری خود را با ملزومات جهان مدرن هماهنگ می‌سازند، به گونه‌ای که واژه‌های جدید ساخته می‌شوند و زبان‌ها خود را با عینیات جامعه همراه می‌نمایند. از این طریق، بر همبستگی صاحبان زبان‌ها و گویش‌ها افزوده می‌شود، هویت ملی در برگیرنده موزائیک غنی جامعه چند زبانی واقع می‌گردد، بر اوراق تمدن بشری و فرهنگ انسانی افزوده می‌شود و صلح و همزیستی جای خشونت و تقابل را می‌گیرد. در سال ۱۹۹۶، مؤسسات، تشکیلات غیردولتی از ۶ تا ۹ ژوئن در بارسلونا جلسه‌ای تشکیل دادند و «اعلامیه جهانی حقوق زبانی» را به تصویب رساندند. از دیدگاه فرهنگی، هدف، تأمین و ایجاد محیط ارتباطات جهانی منسجم با مشارکت برابر همه مردم جهان، جمعیت‌های زبانی و افراد در روند توسعه است. (اعلامیه جهانی حقوق زبانی، ۱۹۹۶)

تنوع قومی

از مؤلفه‌های دیگر دموکراسی فرهنگی تنوع قومی است. دانش زیست‌شناسی ثابت کرده است که عاملی به نام نژاد وجود ندارد، جز اینکه به دلیل وراثت برخی ویژگی‌های جسمی و روانی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. لذا، هر ملتی، طی سده‌ها، ویژگی‌هایی را کسب می‌کند که ممکن است در ملت‌های دیگر نیز وجود داشته باشد، اما انتساب نژادی امری صرفاً ذهنی است. گرچه مفهوم نژاد از لحاظ علمی مردود است، اما هزاران منش اکتسابی و مشترک میان گروه‌های مشترک بشری وجود دارد که به گونه‌های مختلف از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، مانند باورها، روش زندگی، آیین‌ها و غیره که مجموعه این منش‌های مشترک را می‌توان «قوم - فرهنگی» نامید و با این منش‌هاست که می‌توان قومی را از قوم دیگر تشخیص داد. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۶)

قوم و قومیت معطوف به ویژگی‌های فرهنگی یک مجموعه جمعیتی است، به طوری که اکثر کشورهای جهان از تنوع قومی برخوردارند و باور به تفاوت اقوام و ملت‌های گوناگون، به ویژه در کشورهای جهان سوم، وجود دارد و معمولاً از انگیزه‌های قومی برای بسیج افراد، طرد دیگران و تسهیل مدیریت بهره‌افراوانی برده می‌شود.

عناصر فرهنگی که در تنوع قومی مؤثرند و سبب مرز بندی می‌شوند عبارت‌اند از: نام، زبان، دین، آداب و رسوم، موسیقی و رقص، لباس، احساس تعلق و همبستگی و به طور کلی فرهنگ و تاریخ مشترک. (بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۹)

در کشورهایی با تنوع قومی، مسئله هویت ملی به عنوان عامل اصلی برای انسجام سیاسی و اجتماعی مطرح است و بسیاری از کشورها می‌کوشند تا با الگوبرداری از الگوهای تاریخی تشکیل دولت‌های ملی در کشورهای اروپایی دست به ایجاد نوعی احساس تعلق ملی زده و از ابزارهایی چون زبان و ادبیات برای پدید آوردن نوعی حافظه جمعی تاریخی استفاده کنند. لذا این سؤال همیشه مطرح بوده که برای شکل‌گیری دولت مدرن باید صرفاً از رواج تک‌زبانی حمایت کرد یا اینکه می‌توان به هویت‌های متعدد قومی و پربار دیگر امکان شرکت فعالانه در شکل دادن به هویت ملی را داد.

نقش رسانه‌های ملی در تبیین مؤلفه‌های دموکراسی

یکی از کارکردهای مهم رسانه‌ها، تأثیر آنها بر انسجام ملی است. انسجام ملی بر خلاف تصور با سرکوب، حذف و نابودی هویت‌های چندگانه درون کشور به دست نمی‌آید بلکه احترام و کمک به بالندگی و پیوند هویت‌های چندگانه درون ملت، آغاز شکل‌گیری انسجام ملی است. انسجام ملی زاینده پیوند چندگانگی به یکدیگر است، نه نابود کردن چندگانگی و کثرت به منظور رسیدن به سراب چهره‌ای واحد. لذا، می‌توان در قالبی واحد، آنان را با تمام چندگانگی‌ها بر پایه اشتراکات پیوند داد. رسانه‌ها می‌توانند بارها کارهای زیر در راستای تقویت انسجام ملی و داخلی در حوزه تنوع فرهنگی، دینی، قومی و زبانی این گونه عمل کنند:

۱. اقوام مختلف در هر گوشه از این سرزمین واجد نیازها و علقه‌های انسانی عام و خاص هستند و نمی‌توان هیچ‌کدام از این نیازها را نادیده گرفت؛ ایران کشوری است با مذهب، فرهنگ‌های قومی، سنت‌ها، هنجارها و گرایش‌های متفاوت. هویت ملی امروز جامعه ایران برآیند همه این عناصر است و برخورد حذفی به معنی حذف بخشی از هویت ملی خواهد بود.
۲. نیاز به منزلت و برآورده ساختن این نیاز یکی از مقوله‌های بسیار با اهمیت در تقویت مؤلفه‌های وحدت‌بخش ارزیابی می‌شود.
۳. رسانه‌های گروهی از جمله رادیو و تلویزیون با جایگاه تأثیرگذار خود در میان گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در تقویت انسجام ملی نقش ویژه و بسیار اساسی ایفا می‌کنند.
۴. شناسایی محورهای مورد علاقه اقوام و معرفی نقاط مشترک وحدت‌آفرین از راهکارهای ارضای نیاز اقوام است. برای مثال، معرفی مشاهیر فرهنگ، ادب،

علم و ... یا تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف به زبان همدیگر با رویکرد بزرگ‌نمایی خصوصیات وحدت‌بخشی و همگرایی، ساخت برنامه‌هایی از مشاهیر اقوام ترک به زبان کردی و بالعکس و ارائه آن از شبکه‌های محلی یکی از این موارد می‌تواند باشد. همین سیاست در خصوص آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد از جمله:

الف) ایجاد فرصت‌های متعارف رسانه‌ای برای بیان ارزش‌های اقوام مختلف در عرصه‌های مختلف دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... برای مثال، ایجاد فرصت برای طرح احکام پیروان مذاهب مختلف رسمی از رسانه‌های گروهی می‌تواند سودمند باشد؛ ب) ارائه پاسخ‌های علمی و عملی به انتقادات موجود در حوزه تعامل اقوام، ادیان و مذاهب با نظام سیاسی؛

ج) دوری از یک سونگری در رسانه‌ها و یا سوگیری در مواجهه با فرهنگ‌های مناطق و اقوام؛

د) بهره‌گیری از نخبگان اقوام و اقشار مختلف در برنامه‌های رسانه‌ای و معرفی نخبگان و برگزیدگان مناطق مختلف در رسانه‌های محلی و کشوری؛

ه) بهره‌گیری مناسب از علقه‌های دینی و ایجاد فرصت مناسب برای طرح نکات وحدت‌آفرین مذاهب مختلف. همچنین طرح انتخاب نخبگان دینی اقوام؛

و) تقویت باورها، سنن و فرهنگ‌های باستانی، معقول و مقبول اقوام در رسانه ملی و محلی برای بازگشت به هویت ریشه‌دار اقوام ایرانی در مقابله با هویت‌زدایی که توسط غرب آغاز شده، از جمله: لباس، رفتارهای اجتماعی، اعیاد و مراسم سنتی، قصه‌های اقوام و افسانه‌های مناطق؛

ز) بیان واقع‌گرایانه رخداد‌های تاریخی مناطق با پرهیز جدی از سوگیری یک‌جانبه؛ ح) طرح دغدغه‌های معقول اقوام و بررسی راهکارها و مطالب آنها در سطح نظام سیاسی؛

ط) غیر از ادیان، قومیت‌ها و گرایش‌های کلان فرهنگی اجتماعی و سیاسی، مؤلفه دیگر هویت ملی، سبک‌های زندگی جامعه است. این سبک‌های مختلف زندگی در نوع پوشش، شیوه تغذیه، مراسم و مناسک، نظام روابط اجتماعی و به طور کلی، هنجارها و ارزش‌ها تجلی پیدا می‌کنند. رسانه ملی نباید در این حوزه نگاه تقلیل‌گرا و محدودکننده داشته باشد:

ی) در جهان امروز کسانی که دایره هویت ملی یک کشور را محدود می‌کنند و به جای ایجاد وفاق فرهنگی به تنازع فرهنگی و به جای گسترش دامنه هویت ملی به تنگ کردن آن می‌پردازند و هویت ملی را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازند، از نگاه تبلیغی یا امنیتی به فرهنگ در برنامه‌ها و محصولات رسانه‌ای دوری کنند. به ویژه، رسانه‌ها باید در حوزه بین‌المللی و همبستگی جهانی در سیاست خارجی و روابط بین‌کشوری با افزودن نگاه تکثرگرایانه و اعتمادسازی به وحدت رویه و هم‌نواختی و وفاق ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازند.

نقش رسانه‌ها در انسجام جهانی

رسانه‌ها در سطح بین‌المللی به منظور پاسداشت دموکراسی فرهنگی از سیاستهای خاصی باید پیروی نمایند که به طور خلاصه به برخی از موارد اشاره می‌شود:

۱. ترویج تنوع فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی ملل توسط رسانه‌ها در سراسر جهان.
۲. ترویج تنوع زبانی در فضای ارتباطی و اتخاذ سیاستهایی به منظور جلوگیری از انحصار تک زبانی.
۳. پرداختن به خرده‌فرهنگها در سیاستگذاری ملل به منظور جلوگیری از سلطه روزافزون فرهنگی کشورها.
۴. بازنگری قوانین رسانه‌ای - ارتباطی در حوزه فرهنگی و تدوین سیاستگذاری.
۵. کنترل بر محتوای برنامه‌های رسانه‌ها در سطح جهانی توسط ناظران حقوق بشر به منظور پاسداشت مدیریت فرهنگی

منابع

- باومن، زیگموند ۱۳۸۴. *اشارات‌های پست مدرنیته*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات ققنوس.
- بهاروند سکندر، امان‌اللهی ۱۳۸۴. *کوچ نشینی در ایران پژوهشی در باره عشایر و ایلات*، انتشارات آگاه.
- بختیاری محمودی، علیقلی ۱۳۵۸. *زمینه فرهنگ و تمدن ایران*، نگاهی به عصر اساطیر، چاپ افست، تهران.
- پوپر، کارل ۱۳۷۶. *درس این قرن*، ترجمه علی پایا، تهران.
- تاجیک، محمدرضا ۱۳۸۸. *ایران در چشم انداز ۱۴۰۰*، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.
- حسینی بهشتی، سیدعلیرضا ۱۳۷۹. "تعدد فرهنگی"، *فصلنامه مطالعات ملی*، موسسه مطالعات ملی، سال دوم.
- خوبروی پاک، محمدرضا ۱۳۸۰. *اقلیت‌ها*، نشر شیرازه، تهران.

- رحمان، سعید ۱۳۸۷. *جامعه اطلاعاتی، چالش‌ها و فرصت‌ها*، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
- صالحی امیری سیدرضا ۱۳۸۸. *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سال انتشار ۱۳۸۴.
- گلشن پژوه، محمودرضا ۱۳۸۷. *بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از رسانه‌های دیجیتال*، انتشارات شادان، تهران.
- گبینز، جان آر بوریمر ۱۳۸۰. *سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری*، انتشارات گام نو، تهران.
- نصیری، بهاره ۱۳۸۸. *جهانی شدن رسانه‌ها و چالش سیاست‌گذاری رسانه‌های ملی*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، تهران.

- Baudrillard. J. 1994. *Simulacra and Simulation*, Trans. S.F Glaser, Ann Arbor university of Michigan Press, P.6.
- Adams D. Goldbard. A. 1998. " Cultural Democracy :Introduction to an Idea", *The World Wide Web center of The Institute for Cultural Democracy*, Seattle, The Institute for Cultural Democracy.